

سوره مبارکه فلق

تعلیم استعاده به رب الفلق

طفل تازه به دنیا آمده‌ای زندگی را با گریه آغاز می‌کند. اطرافیان طفل که خود را بسیار نیازمند طفل می‌بینند از شنیدن صدای گریه او به شدت خوشحال می‌شوند. واسطه بین آنها و نیازشان گریه طفل می‌شود و آنگاه شادی خود را با شادباش گفتن به هم ابراز می‌کنند. عالم، عالم نشانه‌هاست. طفل که گریه می‌کند غریبی خود را می‌بیند یا به هر علت دیگر به هر حال نیاز دارد که آرام بگیرد. مادر و آغوش را که می‌یابد نشانه‌ای از امنیت و غذا حس می‌کند و آرام می‌گیرد. با نشانه‌ای در درون خود گرسنگی خود را حس می‌کند و با نشانه‌ای، مادر را شناسایی می‌کند و با نشانه‌ای به غذا خوردن دلالت می‌یابد و با نشانه‌های هم از سیر شدن خود مطلع می‌شود. به این نشانه در فرهنگ قرآن «فلق» گفته می‌شود. اگر کودکی فلق‌شناس یا نشانه‌شناس نباشد، نه از گرسنگی خود با خبر می‌شود و نه از سیری‌اش و حتماً خواهد مرد. این حکایت طفل، حکایت هر لحظه آدمی است که در این گستره خلق در دو ساحت مادی و معنوی حیات یافته است.

ابتدا آیات سوره را مطالعه می‌کنیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند هستی بخش مهربان
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)	بگو پناه می‌برم به رب فلق
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)	از شر آنچه خلق کرده است
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)	و از شر تاریکی هنگامی که گسترده می‌شود
وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)	و از شر دمندگان در گره‌ها
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)	و از شر حسد کننده، آن هنگامی که حسد ورزد.

چنانچه گفته شد برای تدبیر در سوره، لازم است با بررسی کلمات، آیات و موضوعات سوره، غرض سوره مشخص شود. غرض سوره همان هدایتی است که خداوند از ناحیه آن سوره برای ما اراده کرده است. همچنین گفته شد که تفکر، تعقل، علم، توجه و گرایش نسبت به این هدایت مراحل این تدبیر است. بنابراین برای ورود به تدبیر، از تفکر در واژه آغاز می‌کنیم:

مرحله اول: بررسی واژگان سوره

در این مرحله لازم است علاوه بر معانی واژگان سوره به تصویرسازی واژه پرداخته، در صورت امکان ارتباط واژگان را با هم بررسی کنیم. تقویت تصورات مربوط به واژگان و ارتباط درست آنها با هم باعث می‌شود تا بتوانیم نسبت به

اتفاقات و حقایقی که در سوره از آن یاد می‌کند، واقف شده و حتی گاهی با کشف روابط مخفی بین آنها، به علوم جدید برسیم. و در نهایت، ارتباط بین این تصویرها نوعی علم در ما به وجود آورده و منشأ رأی و نظر و باورهای ما می‌شود.

الف. بررسی مفاهیم واژگان سوره

قول (قل)	هو إبراز ما فی القلب و إنشاؤه بأی وسیله کان	به معنای ابراز کردن آنچه انسان در درون خود دارد است. این ابراز کردن می‌تواند با زبان، اشاره و یا هر نوع دیگری باشد.
عوذ (أعوذ)	هو التجاء الی شیء و اعتصام به من شرّ مواجهه.	پناه بردن از تهدیدی که در روبروی فرد است به سوی چیزی یا کسی که می‌تواند مصونیت از این تهدید را ایجاد کند.
رب (ربّ)	سوق شیء الی جهة الكمال و رفع النقائص	رفع نواقص و حوائج شیء و سوق دادنش به سوی کمال.
فلق	هو انشقاق مع حصول إبانة بین الطرفين. و النظر فی الشقّ الی حصول مطلق الانشقاق فی شیء سواء حصل تفرّق أم لا.	به معنای شکاف همراه با آشکاری چیزی است در این صورت جدایی و انفکاک از وضعیت قبل و تمایل به وضعیت بعد در آن موضوعیت دارد. پس فلق عبارت از انشقاق و شکافتن با حصول جدایی در میان طرفین است و در شقّ، مطلق شکاف خوردن منظور است، خواه تفرّق حاصل بشود یا نه.
شر (شرّ)	هو ما یقابل الخیر، و قلنا فی الخیر: إنه عبارة عمّا یختار و یتتخب و یكون له رجحان و فضل. و الشرّ ما فیه ضرر و سوء اثر و فساد.	در مقابل خیر است. خیر چیزی است که بر مبنای معیارهای عقلی انتخاب شده و به عنوان گزینه برتر گزینش می‌شود. شر چیزی است که همراه آن ضرر و سوء اثر و فساد وجود دارد.
خلق	هو ایجاد شیء علی کیفیت مخصوصه.	به معنای پدیدار شدن بر کیفیت مخصوص است.
غسق	هو الظلمة النازلة المحیطة، سواء كانت فی	به معنای ظلمتی است که در محیط فرو می‌آید

(غاسق)	مادیّ أو معنویّ.	و بر آن مسلط می‌شود.
وقب	هو دخول شيء في محل.	داخل شدن در محلی را گویند.
نفث (نَفَاث)	هو نفخ شديد من الفم فيه ريق قليل.	از نفث به معنای دمیدن شدیدی است که از طریق دهان بوده و همراه آن کمی آب دهان نیز هست، می‌باشد.
عقد	انضمام جزئين أو أجزاء و شدّها في نقطة معيّنة، و يقابله الحلّ و هو فكّ العقدة، مادياً أو معنوياً.	به معنای گره یا پیوستن دو یا چند جزء با هم و محکم کردن آنها در یک نقطه است و مقابل آن واژه «حلّ» است که همان باز کردن گره مادی یا معنوی است.
حسد (حاسد)	أنّ الحسد من الصفات الذميمة، و يوجب التعب الشديد في نفسه دائماً، و هو يطلب زوال النعمة و التضرّر لصاحب النعمة.	حسد از صفات ناپسند است که سختی شدیدی را در نفس انسان ایجاد می‌کند و همواره نعمتی را از صاحب نعمت گرفته شده و به صاحب نعمت ضرر می‌رساند.

ب. تصویرسازی از واژگان

برای تصویرسازی از واژگان، مصادیقی که از آنها در کتاب‌های لغت آمده بسیار راهگشاست. باید در نظر داشت آنچه در این کتب آمده بخشی از مصادیق واژه است. بر اساس نمونه‌های ذکر شده برای هر کلمه نمونه‌ای دیگر ذکر کنید.

واژه	نمونه‌ای در خارج	سایر نمونه‌ها
قول	سخن گفتن.	
عوذ	پناه بردن به محلی برای در امان بودن از خطر تهدید کننده.	
ربّ	مالک چیزی، آقای کسی، تدبیرگر و سیاست‌گذار.	
فلق	سپیده‌دم	
شر	فساد و ظلم	
خلق	با استفاده از ابزار و مواد اولیه چیزی را به وجود آوردن.	

واژه	نمونه‌ای در خارج	سایر نمونه‌ها
غاسق	تاریکی ظلمانی شب	
وقب	وقبه گودالی است در سنگ که در آن آب جمع می‌شود و علتش این است که در واژه وقب، داخل شدن وجود دارد.	
نفث	با دمیدن مقداری از آب دهان بیرون انداخته شود.	
عقد	بستن ریسمان	
حاسد	بدخواه	

ج. توجه به ارتباط بین واژگان سوره

برای به دست آوردن ارتباط واژگان در سوره، دانستن نقش آنها در جمله مهم است؛ زیرا به واسطه نقشی که در جمله دارند حالت فعل، فاعل، مفعول و... متفاوتی خواهند داشت؛ زیرا تاثیر و تاثر عناصر یک سوره منوط به نقشی است که برای آن در سوره تعیین می‌شود. بنابراین ابتدا نقش کلمات را در سوره بررسی می‌کنیم:

۱. اعراب سوره^۱

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ) «قل» فعل امر و فاعل آن مستتر است و تقدیر آن «أنت» است و جمله «أعوذ» مقول قول یا مفعول است. أَعُوذُ نیز فعل مضارع مرفوع و فاعل آن مستتر و تقدیر آن «أنا» است و «بِربِّ الفلق» متعلق به أَعُوذُ و «مِنْ شَرِّ» متعلق به أَعُوذُ است و «مَا» اسم موصول و مضاف إليه است و جمله «خَلَقَ» صله و ضمیر عائد آن محذوف است؛ یعنی خَلَقَهُ بوده است و «مَا» ممکن است مصدریه باشد.

(وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ) عطف بر قبل است و «إِذَا» ظرف است و جمله «وَقَب» در محل جر بوده و به اِذَا اضافه شده است.

(وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ) عطف بر قبل است و «فِي الْعُقَدِ» متعلق به النَّفَّاثَاتِ است.

(وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) عطف بر قبل است.

۲. تصویرسازی کلمات در ارتباط با هم

حال با توجه به نقش کلمات در سوره، رخدادها و مسائلی که سوره بر آن تاکید دارد را تصور کنید:

در ناحیه پناه بردن و پناهگاه:

^۱ اعراب القرآن و بیانه، ج ۱۰، ص ۶۲۳

۱. سپیده‌دمی هست که انسان را به خروج از شب و تاریکی امیدوار نماید.
۲. نشانه‌هایی که بیان‌کننده گذر از وضعیت قبل و رسیدن به مرحله جدیدند.
۳. راهی برای گریز از مشکلاتی که انسان و جامعه با آن روبروست.
۴. منفعت و کمالی که در اثر پناه بردن نصیب پناهنده می‌شود.

در ناحیه آسیب‌ها و شرور:

۱. آسیبی که از ناحیه کسی یا چیزی متوجه کسی شده است.
 ۲. تاریکی و ظلمتی که جاگیر شده و خود را به شدت چسبانده، گویی آمده است تا نرود.
 ۳. گره‌ای که در زندگی کسی افتاده و گویی آنقدر محکم است که نمی‌خواهد باز شود.
 ۴. فردی که دچار حسد دیگران شده به صورتی که از ناحیه آنها به شدت در آسیب و رنج و اذیت است.
- مشکلات زندگی وقتی به کسی رو می‌آورند یکی از چهار حالت فوق در آنها قابل رؤیت است. حال برخی از مشکلات زندگی خود یا دیگران را به یاد آورده و سوره را با توجه به تصویری که یافته‌ایم مطالعه کنید.^۲

^۲ برخی از مشکلاتی که در ذهن یادآور می‌شویم می‌تواند در دو یا سه و یا چهار گروه نیز باشد.